

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

ثنا نیکی

۲۱ سپتمبر ۲۰۱۵

سخنرانی ثنا نیکی- تورنتو، کانادا
نزد هم سپتمبر ۲۰۱۵

... سخنان شفاهی

نکاتی در باره مقام فرهنگی و دیدگاه سیاسی خورشید عطائی در آئینه اشعارش



مریم محبوب می گوید: "خورشید عطائی ، زن متواضع ، کم سخن و بی مدعاست. از شهرت طلبی بیزار است." خانم محبوب در جایی دیگری گفته است: "خورشید شاعر لحظه های زیبا بود. شاعر تصویرگر آرمان های انسان." پیکار پامیر حین عبادت و آخرین دیدار با بانو عطائی گفته بود:

خورشید که کارش همه تنویر جهانست حوریست که زبینه در آغوش جنانست

حبیب الله رفیع در باره اسلوب و ویژگی های شعر عطائی می نویسد:

"د خورشید شعر په ریښتیا سره هم د ژوند شعر دی، د ژوند د عینی حالاتو له غیره راوتلی شعر دی او د هنر په ښکلاو پسوللی شعر دی. دی د شعر د دې د وطن نماینده شعر دی، هر ځای چه ویلی او په هر وخت کی چې ویلی د خپل وطن، د خپلی مینې او د خپل مینې انځور یې پکی ایستلی." سلیمان راوش گفته است:

"خورشید آزاد بود و آزاد می اندیشید و هرگز هم نمی خواست باعث زحمت دیگران باشد." چه زیبا می گوید نسیم اسیر:

"در دل تاریک شب، واحسرتا خورشید رفت گوهر دردانه ای از چنگ ما افتید رفت"

با وجودی که خورشید عطائی ۱۲ سال همکار ما در اندیشه نو بود که بیش از هر کس با ما و بیش از هر نهاد با اندیشه نو نزدیکتر بود. نمی خواهم که با این حرف ها "خورشید" را در غیابش متعلق به نشریه اندیشه نو بدانم. "بانو عطائی، خورشیدی بود که تابشش در همه جا یکسان، پرتو روشنائی اش متوازن و هماهنگ با همه جا و تشعشع انوار معنویتش از ورای شعر و سخن، افغانستان شمول، انسان شمول و همگانی بود."



نکته اول :

خورشید تحول طلب

تحول طلبی و اصلاح خواهی در اکثر اشعار خورشید عطائی دیده می شود. که چند فرد یکی از اشعارش را مثال می آوریم:

زمانه لیونی شوی، جاهلان لیونی شوپی چی زمونږ ستر افتخارو د بامیانو مات شهکار دی
په ملی وحدت عظمت باندی راپاڅه ای افغانه ورونو خویندو په وطن کی انقلاب ضرور په کار دی
هدف خورشید از انقلاب در این شعر تحول، تغییر و نابودی مظاهر منفی است که مردم، جامعه و کشور ما را به نابودی سوق داده است. یعنی خورشید به ضد روند کنونی، مردم را به قیام دعوت می کرد. (راپاڅه ای افغانه) و (انقلاب ضرور په کار دی) و غیره.

نکته دوم:

در جدل و مبارزه با بنیادگرایی عقب گردی و استبداد

خورشید عطائی شخص آرام، معتدل و صمیمی بود. به این معنی نه که در همه مسایل خاموش بود. خورشید غوغاگری بود در مبارزه با بنیادگرایی، عقبگردی و استبداد. او در اشعارش گروه ها و اقشار مرتجع و عقب گرای جامعه را جسورانه معرفی، افشاء و موضع گیری انسانی اش را در مقابل اعمال ضد انسانی آنها تبارز داده است. حقا که به گفته خودش:

"هر جا برسد خورشید ظلمت رود از صحنه"

این نکته نظرم در باره دیدگاه خورشید عطائی را در سه مثال بیان می کنم:

۱. در مخالفت با بنیادگرایی

در شعر (مین) از دفتر (د نکریزو پانه) ص ۱۳۷ خورشید عطائی می نویسد:

مین یم او خوشحاله د بنایست په نندارو ای شیخه ښه ئی واوره درته وایم په نارو

...

تقوی ده دا د مینی عبادت کوم د عشق شیخان می که وهی په کانو لوتو انبارو

در جای دیگری در معرفی روحانویین متعصب می گوید:

کله شیخ کله ملا شی رنگ په رنگ جامي په ځان کړي
کله ژاړی لیمه سره کړي غولولو ته مکاره

شعر (د بتانو څه گناه وه) شعریست که خصلت ضد بنیادگرانی خورشید عطائی را در پاک ترین و صادق ترین شکل آن نشان می دهد. متأسفانه عده ای بنا بر ملحوظاتی اگر از عمل وحشیانه طالبان مبنی بر تخریب شهکار پیکره های بودای بامیان، ازطالب حمایت نکرده اند، ولی در مقابل این وحشت کاملاً خاموشی اختیار کرده اند. ... و اما خورشید عطائی به مثابه یک روشنفکر واقعی از همه ملحوظات می گذرد و در شعر (د بتانو څه گناه وه) موضع گیری فرهنگ دوستانه و روشنفکرانه اش را بیان می کند. از آنجائی که این شعر طولانی است به خاطر صرفه جوئی وقت بریده هائی از این شعر را تقدیم تان می کنم.

د پیریو راپدی خوا کلک ولاړ پخپل مقام وو
د افغان فرهنگ مثال وو بی طمع او بی ریا وو
خوله ئی ډکه له مسکا وو وړانول یی ناروا وو
د بتانو څه گناه وو د تاریخ لویه متاع وو
وړانول یی ناروا وو د بتانو څه گناه وو
نه یی پری کړل واسکونه نه یی ځاوک سنگسارول کا
نه یی ژوندی څوک بنخول کا نه تغیر د عقیدې کا
هم زینت هم تفریحگاه وه
وړانول یی ناروا وه
د بتانو څه گناه وه
د مذهب تر نامه لاندی خپل وطن ئی لوت تباہ کړ
څه ځواب به ورکوی ته آینده کی خپل ملت ته
دا دي لویه اشتباه وه
وړانول یی ناروا وه
د بتانو څه گناه وه

یا

دو بیت اخیر شعر "الوداع" که بعد از مرگ خورشید در رسانه های اجتماعی به پیمانۀ وسیع نشر شد، دیده می شود که خورشید با ذهن و افکار در حال جدل چشم از جهان بسته است. در جدل نور با ظلمت شب و تیرگی. او خود را تا آخرین نفس هائی که می کشد در مبارزه می بیند. چنانچه می گوید:

هرچه کوشیدیم، نور از قید شب بیرون نشد با چنین جنگ و جدل دست و گریبان می روم
نیست خورشید مرا آمیزشی با تیرگی پهلوی روشندلان راست راستان می روم

۲. در ضدیت با استبداد و ارتجاع

غداره عنوان شعری است که استبداد را به شکل واقعی و امروزی اش تشریح کرده است.

ځان ته وایي ایمان داره برابر په سمه لاره
نه هغه یی نه او دا ئی زه دي پیژنم غداره

...

کله شیخ کله ملا شی رنگ په رنگ جامي په خان کری
کله ژاری لیمه سره کری غولولو ته مکاره

...

د خورشید په سوی زره کبني گوتی مه وهه بی باکه
هسي اور به شی در پوری چی له ژونده شي بيزاره

۳. موضعگیری سیاسی عطانی در جنگ های داخلی افغانستان

ریشداران با قبا و با چین
نام ملا بد نمودند در جهان
در هوای جیفه دنیا شدند
پر زنان در هر طرف چون کرگسان
نیست ملا این بلای نول دار
می زند راکت بفرق این و آن
هم تجاوز بر زن و دختر کنند
جمع بی ناموس گشته حاکمان

نکته سوم:

وسعت نظر خورشید عطانی

ما هیچ نمی پرسیم کز اهل کجا باشید محنت کش هر جا اید یکجای بما باشید
دشمن به کمین خفته، با فکر فریبنده هوشیار و بیک مقصد از صدق و صفا باشید

یا

در شعر "پسرلی شو" دفتر شعری «د نکریزو بانه»

زه د خورشید تر زرینو وړانگو ژوند غوړمه دا خو گوندیزه ملت یو خای او یو گوند غوړمه
باید یاد آور شد که هدف خورشید از "گوند" حزب نیست که خدا نکرده او را مخالف پلورالیزم دانست. هدف خورشید
در اینجا از گروه بازی و بی اتفاقی است. او با دید وسیع خواستار و آرزومند افغانستان متفق و متحد است.
ادامه دارد